

بررسی رویکردها و اهداف تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران

سجاد باباخانی^۱

^۱ دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در کتب درسی مدارس و تحلیل رویکردها، روش‌ها و اهداف تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران می‌باشد. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده است. در این تحقیق متن کتاب‌های درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی، متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و متن برنامه درسی ملی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاضر بیانگر این است که در محتوای کتب درسی به مؤلفه‌های تربیت شهروندی به طور یکسان توجه نشده است. و نظام آموزش و پرورش در تلاش است در قالب آموزش مستقیم و غیر مستقیم دانش‌آموزان را برای ورود به زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی آماده نماید. هدف اصلی تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش افزایش دانش و آگاهی دانش‌آموزان نسبت به حقوق شهروندی خود و دیگران، ایجاد علاقه نسبت به مشارکت سیاسی - اجتماعی، تقویت روحیه تعاون، افزایش حس مسئولیت‌پذیری، پذیرش تفاوت‌های فرهنگی، داشتن روحیه-ی تساهل و تسامح، توانایی برقراری ارتباط سازنده و مؤثر با دیگران، توانایی تحلیل منطقی و تفکر انتقادی، رعایت و احترام به قانون و..... است.

واژه‌های کلیدی: تربیت شهروندی، نظام آموزش و پرورش، دانش‌آموزان.

مقدمه

با توجه به اینکه هر جامعه‌ای با عنایت به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود شهروندان خاص با خصوصیات ویژه پرورش می‌دهد؛ و این امر ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه هر کشوری می‌باشد؛ باید آموزش‌های شهروندی حساب شده- ای را برای تمام اقشار جامعه به طور وسیع در نظر گرفت که می‌توان آن را از رسمی‌ترین نظام آموزش کشور یعنی آموزش و پرورش آغاز کرد. آموزش و تربیت شهروندی سرمایه‌گذاری برای آینده مورد نظر کشور در تمامی ابعاد است، برای اینکه شهروندان جامعه را به حقوق شهروندی‌شان آشنا کنیم، و از شهروندان جامعه این انتظار را داشته باشیم که متعهد و مسئول باشند، از همان دوران کودکی مشارکت کردن در زمینه‌های مختلف را ترویج دهیم و یا به طور کلی در هر جامعه‌ای ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل کنیم؛ پس نیازمند آموزش شهروندی و تربیت شهروندمداری می‌باشیم (خطیب زنجانی، ۱۳۸۶: ۱۰).

مفهوم شهروندی یکی از دیرپاترین مفاهیم سیاسی- اجتماعی است که از دوران یونان باستان تا کنون مورد توجه شمار زیادی از اندیشمندان سیاسی و اجتماعی قرار داشته است. هر چند ممکن است دیدگاه نظریه پردازان گوناگون نسبت به اهمیت این مفهوم متفاوت باشد، اما به هر صورت جایگاه ویژه‌ی آن در نظام اندیشه‌ی بشر، نشان از اهمیت برجسته‌ی آن دارد (گلشن فومنی، ۱۳۷۵: ۱۷).

شهروندی زائیده زیستن در دنیای معاصر است. شهروندی با تأکیداتی تازه در تلاش است با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی، راه پیشرفت و ارتقاء جامعه را هموار سازد. شهروندی طرح سؤالاتی است در ارتباط با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسئولیت، دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و به ویژه ارزش‌ها، که علاوه بر نوع ارتباط هر فرد با چنین موضوعاتی، نوع واکنش افراد را نیز شامل می‌شود (کمبس ، ۲۰۰۱). شهروندی با حقوق انسانی در زندگی اجتماعی پیوند خورده است (پارکر ، ۲۰۰۳). شهروندی وظایف و مسئولیت‌ها را در بین افراد جامعه توزیع می‌کند و در نهایت امکان مشارکت افراد در فعل و انفعالات اجتماعی را فراهم می‌سازد (کوکداس ۲۰۰۱ و مک دونالد ، ۱۹۹۹). شهروندی بر تعهد به وظیفه‌ای که برای دیگران مناسب است دلالت دارد، مهربانی و تدبیر را نشان می‌دهد و خدمات مطلوبی را به جامعه عرضه می‌کند (سامرز ، ۲۰۰۲). شهروندی نخستین بار برای ایجاد انسجام و روح جمعی میان افراد جامعه در علوم اجتماعی مطرح شد (مینکلر ، ۱۹۹۸). این مفهوم خیلی سریع در حوزه تعلیم و تربیت رواج پیدا کرد، به طوری که امروزه از جمله مهمترین اهداف پاره سیستم‌های آموزشی به شمار می‌رود (ویتنی ، ۲۰۰۰). تربیت شهروندی از عناصر و مباحثات مختلفی بوجود می‌آید (سرز و هبرت ، ۲۰۰۵). و بسته به ماهیت نظام‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، شکل‌ها و ماهیت‌های مختلف و متنوعی به خود می‌گیرد (تسی ، ۲۰۰۱).

فیلسوفان سیاسی و مفسران بیان می‌دارند که ابعاد مفهوم شهروندی را می‌توان در یک طیف یا پیوستار قرار داد. که در ابتدا و انتهای طیف دو رویکرد یا تفسیر حداقلی و حداکثری از شهروندی وجود دارد.

الف) تفاسیر حداقلی، بر یک رویکرد رسمی و محدود به تربیت شهروندی منجر می‌شود، آنچه که اصطلاحاً «تربیت مدنی» خوانده می‌شود. تأکید این رویکرد بر برنامه‌های آموزش رسمی که از طریق برنامه‌های درسی مشخص، آموزش- های نظری که محوریت با معلم است انجام می‌گیرد.

^۱Combs

^۲Parker

^۳Kukathas

^۴Mcdonald

^۵Summers

^۶Minkler

^۷Whitney

^۸Hebert and Sears

^۹Tse

ب) تفاسیر حداکثری، یک تعریف وسیع از شهروندی را مشخص می‌کند، به طوری که همه گروه‌ها و علاقه‌مندان را در جامعه تحت پوشش قرار می‌دهد. هدف در این رویکرد فقط کسب دانش و آگاهی نیست، بلکه استفاده از این آگاهی‌ها و دانش-ها برای افزایش میزان مشارکت در امور مختلف جامعه محلی و بین‌المللی است. در این رویکرد بر بحث و گفتگو، تعامل و تجارب مشارکتی، کار پروژه‌ای اهمیت داده می‌شود و تجارب درون و برون کلاس را شامل می‌شود. تفاسیر حداکثری به یک ترکیب وسیع از رویکردهای رسمی و غیررسمی منجر می‌شود که اصطلاحاً آموزش شهروندی نامیده می‌شود. آموزش شهروندی به طور عمده به عنوان ایجاد دانش، مهارت و نگرش‌ها و ارزش‌هایی اطلاق می‌گردد که قادر می‌سازد دانش آموزان به عنوان شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت کنند (فرمپینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۴ و ۱۵).

تربیت شهروندی به آن بخش از فعالیت‌های تعلیم و تربیت اطلاق می‌شود که در اشکال رسمی و غیر رسمی افراد یک جامعه را برای عضویت در جامعه سیاسی آماده می‌کند. تربیت شهروندی هم در اشکال صریح و هم در اشکال ضمنی دنبال می‌شود و محتوای آموزشی آن، هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه‌ای یافت می‌شود (فتیحی واجارگاه، ۱۳۸۱: ۱۸۹). و در تعریفی دیگر تربیت شهروندی فرآیندی است که شهروندان فعال، مطلع، حساس و کارآمد در زندگی مدنی و امور مربوط به ناحیه خود را ایجاد می‌نماید و جنسیت‌ها، نژادها و ساختار طبقاتی را معرفی می‌کند و عدالت اجتماعی و تنوع را گسترش می‌دهد و افراد را به تأمل و مشارکت در جریان‌های سیاسی و تصمیم‌گیری آماده می‌نماید (نیلسون و کرر، ۲۰۰۵).

تربیت شهروندی و شناخت ابعاد و اصول شهروندمداری امروزه نقش مهمی در تقویت روح جمعی و وجدان جمعی جامعه می‌تواند داشته باشد، ویژگی‌های شهروندی و شهروندمداری بخش جدایی‌ناپذیر از الگوهای زندگی جمعی است که باید حکومت‌ها و دولت‌ها در قالب نهادهای اجتماعی و سازمان‌های ذیربط موظف به بسط تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی آن می‌باشند؛ این ویژگی‌ها از همان دوران کودکی و سنین آغازین، تعلیم و تربیت داده می‌شود. آموزش شهروندی و الگوهای آن در جامعه اینگونه است که اول: آموزش‌های شهروندی منجر به شناخت زندگی فردی-اجتماعی-فرهنگی-ملی-دینی-مدنی در کشور می‌شود که جزء اولین اصول مهارت‌هایی است که باید آموزش و پرورش و آموزش عالی به دانش‌آموزان و دانشجویان فرا دهد. دوم: بخش دیگری از این مهارت‌ها شامل سلامت جسمانی و بهداشت فردی و زیست محیطی است، که باید آموزش و پرورش اینگونه مهارت‌ها را به افراد یک جامعه در قالب برنامه ریزی درسی حفظ نماید و توسعه بخشد، تا از این طریق رضایت از زندگی برای افراد یک جامعه علی‌الخصوص در یک جامعه شهری که پیامدها و مشکلات آنان را روبه افزایش است برای فرد و دیگران آسان کند. سوم: باید افراد یک جامعه یادگیرند که به نظم و قانونمداری و عدالت در همه حال توجه کنند، و در تمام امور که انجام آن را برعهده دارند احساس مسئولیت نمایند. چهارم: در این گروه باید آموزش و پرورش مناسبات اجتماعی، همدلی، همدردی، کمک‌رسانی، رشد مهارت‌های زبانی و سایر ارتباطات انسانی را جهت تعامل موثر و ثمر بخش بصورت برابر گونه بین افراد یک جامعه تقویت و بسط دهد. پنجم: در این بخش نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی باید شهروندان جامعه را با هویت و شخصیت فردی، خانوادگی و اجتماعی از همان کودکی - نوجوانی و جوانی آشنا کنند، فرزندان ما را به فراگیری مهارت‌های شغلی و آینده‌نگری تشویق کنند؛ که این مسئله باعث نهادینه گردیدن دقت، نظم و مسئله‌پیگیری و نوآوری در افراد شده که منجر به شکل‌گیری هویت اجتماعی و اقتصادی افراد می‌گردد. ششم: حکومت و دولت در قالب سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی چون آموزش و پرورش و آموزش عالی و... باید شرایطی را فراهم کند که شهروندان بتوانند به درستی خود را بشناسند و بر اساس شناختی که از استعدادها و خلاقیت‌های خود دارند شیوه زندگی خود را در قالب اهداف «کوتاه مدت- میان مدت و دراز مدت» در راستای تحقق آرزوها، سعادت انسانی و توسعه همه جانبه پی ریزی نمایند. هفتم: بخش دیگری از مهارت‌های شهروندی بدین گونه در زندگی اجتماعی است که شهروندان را به تفکر درست، واقع بینانه، منطقی و هوشیارانه همچنین خلاق و انتقادی جهت توانایی حل مسائل مجهز کند. هشتم: وظیفه دولت این است که برای اینکه شهروندان را به آموزش مهارت‌های زندگی شهروندان در یک جامعه دموکراسی گونه تشویق و ترغیب نماید از مشارکت

خانواده، بهره‌گیرد زیرا تاثیرات انکارناپذیری این نهاد بر چگونگی دستیابی مهارت‌های زندگی و شکل‌گیری هویت و شخصیت افراد از همان دوران کودکی اثرگذار است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۱: ۲۰-۱۹).

نهاد آموزش و پرورش بعنوان مؤثرترین نهاد در اجتماعی کردن افراد نقش مهمی را ایفا می‌کند که عملکرد اشتباه این نهاد تأثیر مستقیم بر روی سایر نهادهای جامعه خواهد داشت. اگر مدارس کارکرد اجتماعی کردن افراد را به درستی انجام ندهد، افرادی به جامعه تحویل می‌دهند که نه تنها یک شهروند وظیفه‌شناس برای جامعه نخواهند بود بلکه به وظایف خود در آینده بعنوان پدر و مادر آگاه نیستند و موجبات نابسامانی اجتماعی را فراهم می‌سازند. نظام تعلیم و تربیت کشور در اشکال رسمی و غیر رسمی بی‌گمان با تربیت شهروندی به عنوان محوری‌ترین و بنیادی‌ترین رسالت خویش مواجه است. درحقیقت منظور از تشکیل نظام آموزش و پرورش کشور آماده‌سازی شهروندان برای ورود به زندگی اجتماعی، اقتصادی (حرفه‌ای)، سیاسی و فرهنگی است از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که جامعه مدنی اساساً به شهروندان فعال و متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی خود نیاز دارد و هم از این‌رو امکانات و توجیه لازم رابرای شکل‌گیری و توسعه نظام آموزش و پرورش فراهم می‌آورد و از سوی دیگر نظام تربیتی آئینه تمام‌نمای ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه است و وظیفه تربیت شهروندان را برای زیست در جامعه و فعالیت مؤثر بر عهده دارد (فتیحی واجارگاه و دیبا واجاری، ۱۳۸۱).

آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت‌کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقه‌مند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. افرادی که نه تنها ارزش‌ها و ویژگی‌های مورد ستایش جامعه را دارا باشند، بلکه بتوانند در راستای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش مؤثرتری را به نمایش گذارند. درسایه چنین برداشتی است از نظام آموزش و پرورش که مدرسه نه تنها یک مکان جهت آماده شدن برای زندگی است، بلکه در حقیقت جایی برای تمرین زندگی و تجربه عرصه‌های مختلف است. به عبارت دیگر مدرسه مکانی برای یادگیری حقوق و مسئولیت‌های شهروندی است. از این‌رو آنچه که می‌تواند رسالت و فلسفه اصلی شکل‌گیری و توسعه مدارس را در دوران کنونی توجیه کند تربیت شهروندی و به عبارت دیگر عمل کردن مدارس به عنوان (مدرسه زندگی) است (نیکفر، ۱۳۷۸: ۳۲).

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، ایجاد نظام تعلیم و تربیتی که مبتنی بر هدف‌های والای اسلامی و نیازهای جامعه و افراد باشد مسئولیتی بس سنگین و دشوار بر دوش دست اندرکاران تعلیم و تربیت مملکت گذاشت تا در پرتو اندیشه‌ها و تعالیم اسلام، جامعه‌ای اسلامی و مستقل بنا سازند، جامعه‌ای که در آن پرستش خدا، حرکت به سوی الله، و مبارزه با هرگونه فساد و ظلم هدف‌های اساسی حیات انسان را تشکیل می‌دهند (مکیلیان، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

با مرور مختصری بر سوابق پژوهش‌های انجام گرفته در باره تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش مشخص می‌شود علی‌رغم اهمیت این مقوله، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است، بویژه در زمینه تحلیل مقوله تربیت شهروندی از لحاظ رویکردها و اهداف آن در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. به بررسی تعدادی از این پژوهش‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع مورد مطالعه دارند می‌پردازیم.

لطف‌آبادی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای به بررسی نگرش نوجوانان و جوانان دانش‌آموز ایران به جوانب گوناگون زندگی اجتماعی و مدنی، نظام ارزشی جهانی شدن و جهانی‌سازی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که گروه‌های قابل توجهی از نوجوانان و جوانان دانش‌آموز ایرانی دچار ضعف‌های اساسی در هویت اجتماعی و مدنی بوده، در چنین وضعیتی، آموزش حقوق و مسئولیت‌های محلی، ملی و جهانی در جوانب گوناگون شهروندی در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه ضرورت دارد.

جمالی تازه کند و همکاران (۱۳۹۲) تحقیقی تحلیلی را با هدف بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروندی در کتاب‌های درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که کتاب‌های درسی به یک نسبت به مؤلفه‌های شهروندی نپرداخته است.

ذهبیتون و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی متوسطه دوره دوم به لحاظ توجه به مفاهیم تربیت شهروندی» به تحلیل محتوای کمی کتب درسی علوم اجتماعی (پایه اول)، جامعه‌شناسی (پایه دوم و سوم) و علوم اجتماعی (پایه چهارم) دوره دوم متوسطه کشور براساس مؤلفه‌های تربیت شهروندی در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ پرداختند. در این پژوهش معیار توصیف، مؤلفه‌های شهروندی شامل توجه به ارزش‌ها، مردم‌سالاری و هویت جهانی بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، سیاهه تحلیل محتوای کتب درسی برگرفته از مبانی نظری بود. یافته‌های حاصل از تحلیل با استفاده از نرم‌افزار Spss-19 و روش آماری غیر پارامتریک حاکی از وجود تفاوت معنادار بین میزان توجه به مؤلفه‌های شهروندی در کتاب‌های مذکور بود. همچنین یافته‌ها نشان داد بین پایه‌های تحصیلی از نظر میزان توجه به مؤلفه‌های شهروندی تفاوت معنادار وجود دارد.

اختر (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «اجرای آموزش شهروندی در اسکاتلند: معرفی رویکردهایی برای عمل مؤثر» به مرور آموزش شهروندی می‌پردازد که در مدارس ابتدائی اسکاتلند و دیگر سطوح شامل مدارس، کلاس درس و جامعه در متن برنامه-ی درسی جدید اجرا و تمرین می‌شود. وی رئوس کلی، رویکردهای جدیدی را جهت اجرا در متن برنامه‌های درسی استخراج و پیشنهاد می‌نماید و در این رابطه اعتقاد دارد افکار معلمان باید تغییر یابد و تئوری‌های زیربنایی جدید به عنوان خطوط راهنمای کلی مورد توجه قرار گیرد. نکته قابل تأمل در یافته‌های این تحقیق تأکید بر تغییر و تحول اساسی در راهبردهای تربیت شهروندی افراد جامعه می‌باشد.

نیز و همکاران (۲۰۱۳) طی تحقیقی با عنوان «تربیت شهروندی در جوامع تقسیم‌شده» به بررسی دیدگاه و درک معلمان ایرلند شمالی از آموزش شهروندی در جوامع تقسیم‌شده و انعکاس آن در گفتمان‌های شهروندی می‌پردازند. یافته‌ها نشان می‌دهد که طبیعت جنجال برانگیز ایرلند و جدال آن با انگلیس در متن آموزشی وجود دارد اما سایر شاخص‌های محروم کننده مثل نژاد و جنسیت در پی یافتن جایی در متن آموزشی و تعلیم هستند. عده کمی از معلمان به این شاخص‌های سنتی و گذشته مؤثر در محرومیت و تقسیم‌شدن یک ملت آگاه بودند. در نتیجه درک معلمان در مورد بحث‌های اجتماعی و تربیت شهروندی ارتباط زیادی به هم ندارد که احتمالاً در آموزش شهروندی نیز تقسیمات اجتماعی و گسترش صلح در جامعه لحاظ نخواهد شد. بنابراین لازم است اصلاحاتی در نحوی آموزش شهروندی اعمال گردد.

با توجه به اهمیت نحوی نگرش و رویکرد نهادهای آموزشی به مقوله تربیت شهروندی و اهدافی که این نهادها در نظر می‌گیرند پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی تربیت شهروندی و استخراج رویکردها، روش‌ها و اهداف تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

سوالات تحقیق

در این تحقیق سوالات زیر دنبال می‌شوند.

جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در کتب درسی نظام آموزش و پرورش ایران؟

رویکردها و روش‌های تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟

اهداف تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟

روش تحقیق

در این تحقیق بنا به سؤالات پژوهش از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به شیوه کیفی استفاده شده است. و در بخشی دیگر از تحقیق به منظور تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی توسط نرم افزار Excel استفاده گردید. تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی دارد و هم جنبه مبنایی. در بعد کاربردی از نتایج در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی استفاده می‌شود. و در بعد بنیادی یا مبنایی به کشف حقایق و واقعیت‌ها می‌پردازد (بازرگان، ۱۳۸۷). در این مطالعه مروری، سعی شده است با روش توصیفی- تحلیلی و با

^۱Akhtar

^۲Niens

^۳Descriptive - Analysis

جستجو در منابع کتابخانه‌ای و نیز بانک‌های اطلاعاتی، اطلاعات لازم در ارتباط با رویکردها، روش‌ها و اهداف تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، جمع آوری و مورد بحث و تفسیر قرار گیرد. در پژوهش‌های کیفی نمونه‌گیری به شکلی متفاوت از پژوهش‌های کمی انجام می‌شود. در این دست پژوهش‌ها نه با جامعه آماری وسیعی روبرو هستیم و نه نیازی به انجام نمونه‌گیری دقیق و سیستماتیک است. از آنجا که کار این پژوهش با متن و اسناد پیش می‌رود، از آن دست پژوهش‌هایی است که پژوهشگر با داده‌های آماده سروکار دارد. در روش‌های مطالعه اسنادی و تحلیل گفتمانی معمولاً داده‌ها را از روی بیشترین نزدیکی و همخوانی با موضوع پژوهش انتخاب می‌کنند. در این تحقیق متون مورد نظر برای تحلیل شامل اسناد بالادستی که بیشترین قرابت و نزدیکی را با مفهوم شهروندی دارند و متن کتب درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی در دوره‌های مختلف نظام آموزش و پرورش کشور (شامل کتب: آشنایی با قوانین مهم اجتماعی، جامعه شناسی، مطالعات اجتماعی، آداب و مهارت‌های زندگی، فعالیت‌های گروهی و اجتماعی، تفکر و پژوهش، فرهنگ و هنر، تفکر و سبک زندگی) می‌باشد. اسناد بالادستی شامل: سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰، برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱ می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در کتب درسی نظام آموزش و پرورش ایران (کتاب‌هایی که بیشترین ارتباط را با تربیت شهروندی دارند) به بررسی نحوی توزیع مؤلفه‌های تربیت شهروندی در این کتب می‌پردازیم.

جدول ۱- رتبه بندی و درصد توزیع مؤلفه‌های تربیت شهروندی در کتب درسی مدارس

ردیف	مؤلفه های تربیت شهروندی	
	مجموع فراوانی	درصد
۱	۱۱۵	۹/۹۳
۲	۱۰۱	۸/۷۲
۳	۹۲	۷/۹۴
۴	۹۱	۷/۸۶
۵	۸۷	۷/۵۱
۶	۸۵	۷/۳۴
۷	۷۳	۶/۳
۸	۶۴	۵/۵۲
۹	۶۳	۵/۴۴
۱۰	۵۸	۵
۱۱	۵۶	۴/۸۳
۱۲	۵۱	۴/۴
۱۳	۵۰	۴/۳۲
۱۴	۴۷	۴/۰۵
۱۵	۳۳	۲/۸۵
۱۶	۳۳	۲/۸۵
۱۷	۲۴	۲/۰۷
۱۸	۱۹	۱/۶۴
۱۹	۱۶	۱/۳۸
	۱۱۵۸	۱۰۰

براساس یافته‌های جدول شماره ۱ می‌توان گفت در کتب درسی مدارس به همهی مؤلفه‌های تربیت شهروندی بطور یکسان توجه نشده است و این مؤلفه‌ها از توزیع یکسانی در کتب درسی برخوردار نیستند. به گونه‌ای که به مؤلفه‌هایی مانند رعایت و

احترام به قانون، برقراری ارتباط با دیگران، حس مسئولیت پذیری، تعاون و همکاری توجه بیش از حد شده و مؤلفه‌هایی مانند قدرت تصمیم‌گیری منطقی، توانایی تحلیل منطقی و پرورش تفکر انتقادی کمتر توجه شده است. نتیجه تربیت یعنی آماده شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، تنها با تکوین و تعالی پیوسته هویت افراد جامعه براساس نظام معیار اسلامی در راستای تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر همین اساس محقق می‌شود. به بیان دیگر، افراد جامعه در صورتی آماده تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد خواهند شد که هویت فردی و اجتماعی ایشان متناسب با نظام ارزش‌های حیات طیبه متحول شود. بنابراین می‌توان گفت در راستای تحقق نتیجه جریان تربیت در جامعه اسلامی، هدف کلی این جریان عبارت است از: آمادگی متریبان برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰). حیات طیبه اصلی‌ترین هدف آموزش و پرورش بر اساس متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

حیات طیبه مفهومی یک پارچه و کلی است که همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را در بر می‌گیرد و شئون گوناگونی دارد که در ارتباط و تعامل با همدیگر و با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی، آن را محقق می‌سازند. حیات طیبه دارای ابعاد مختلف فردی و جمعی است. وجود آدمی در حیات طیبه به لحاظ فردی، به مصادیق خیر، حکمت، قدرت، زیبایی و فضیلت آراسته می‌شود و از هرگونه پلیدی و کاستی پیراسته می‌گردد. همچنین بعد اجتماعی حیات طیبه نیز ناظر به مفاهیم متعدد ارزشی است، مانند: تعاون و نیکوکاری، احسان و رأفت، اخوت، اقامه قسط (عدالت اجتماعی)، رعایت حقوق مردم، ظلم ستیزی، توأسی به حق (امر به معروف و نهی از منکر)، تولا و تبرا (دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا)، استقلال، شورا/عقل جمعی، تضارب آراء، امنیت، اتحاد اجتماعی (اتصام به حبل الہی)، دفاع و جهاد، نصرت و یاری، صلح، عمران، اطاعت از قوانین اجتماعی (نظم و انضباط)، حسن معاشرت، انفاق، ایثار و مدارا، که همه آن‌ها را می‌توان به منزله خصوصیات جامعه مطلوب اسلامی یعنی جامعه صالح در نظر گرفت (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰).

مؤلفه‌های مرتبط با تربیت شهروندی در متن «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» عبارتند از: تربیت، حیات طیبه، قرب الی الله، رأفت و احسان، گذشت و بخشش، تعامل همه جانبه، پویایی و انعطاف پذیری، همدلی، مسالمت جویی، خودسازی و اصلاح دیگران، حفظ و ارتقای سلامت و ایمنی افراد جامعه، رعایت قانون، مراعات حقوق و آزادی‌های مشروع دیگران، یکپارچگی و انسجام، عدالت تربیتی، عدالت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسخگویی و نظارت، توجه به فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی، تکالیف و مسئولیت‌های تربیتی، حفظ وحدت ملی و تفاهم ملی، دین‌مداری، انسجام اجتماعی، خرد ورزی، همه جانبه نگری، حق محوری، مسئولیت‌پذیری، حفظ کرامت و عزت، مردم‌سالاری دینی، تعامل میان فرهنگی و تفاهم بین المللی، دولت اسلامی، مدرسه صالح، جامعه صالح، اخلاق‌گرایی....

مؤلفه‌های مرتبط با تربیت شهروندی در متن «برنامه درس ملی، جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۱) عبارتند از: تقویت هویت ملی، یادگیری مادام‌العمر، تعادل، مشارکت و تعامل، توجه به تفاوت‌ها، تعقل، ایمان، علم و اخلاق و...

روشهای تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران:

الف) آموزش مستقیم شهروندی در مدرسه

این نوع آموزش عمدتاً محتوا محور است و کتاب‌های درسی نقش کلیدی در این زمینه دارد از جمله کتاب‌های درسی که در تربیت شهروندی نقش دارند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

کتاب مطالعات اجتماعی، مقطع ابتدایی

کتاب تفکر و پژوهش، مقطع ابتدایی

کتاب فرهنگ و هنر، مقطع متوسطه اول
کتاب تفکر و سبک زندگی، مقطع متوسطه اول
کتاب مطالعات اجتماعی، مقطع متوسطه اول
کتاب آشنایی با قوانین مهم اجتماعی، دروس پرورشی، مقطع متوسطه دوم
کتاب جامعه شناسی، مقطع متوسطه دوم، شاخه نظری، رشته علوم انسانی
کتاب آداب و مهارت های زندگی، دروس پرورشی، مقطع متوسطه دوم
کتاب فعالیت های گروهی و اجتماعی، دروس پرورشی، مقطع متوسطه دوم
رویکرد آموزش های مستقیم سیاسی - مدنی، شیوه های است که در آن مهارت ها و ویژگی های شهروندی مشارکت در امور جامعه به منظور فهم و حمایت از اصول و ارزش های مردم سالار از طریق آموزش محتوی معین صورت می پذیرد (فرمیهنی فراهانی: ۱۳۸۹: ۱۵۸)

در این رویکرد مدارس فعالیت های تربیتی خود را بر دو هدف عمده متمرکز می نمایند:
الف) مدارس باید محتوی آموزشی و مهارت هایی را که برای شرکت افراد در یک جامعه دموکراتیک ضروری است را به دانش آموزان بیاموزند.

ب) مدارس باید در توسعه بنیان های اخلاقی بچه ها، تلاش ویژه ای را بکار بندند تا آنها بتوانند درک روشنی از زندگی حقوق و مسئولیت های شهروندی داشته باشند.

در این رویکرد مدارس در حقیقت به عنوان مؤسساتی در نظر گرفته می شوند که تربیت شهروندی و مدنی، هدف اصلی و اولیه آنان را تشکیل می دهد و هم از این رو باید خود نماد مردم سالاری و دموکراسی باشد (فرمیهنی فراهانی، ۱۳۸۹: ۸۹)
در این روش، آموزش مفاهیم اساسی سیاسی - مدنی در دروس مرتبط همچون قوانین اجتماعی، تاریخ، ادبیات، علوم اجتماعی برای دانش آموزان انجام می گیرد.

از ویژگی های آموزش مستقیم شهروندی (سیاسی - مدنی) در مدرسه موارد زیر را میتوان بیان نمود:

- ۱- رویکرد ساختاری و متمرکز
- ۲- رویکرد تربیتی تجویزی
- ۳- آموزش عمدتاً محتوا محور است و کتاب های درسی نقش کلیدی در این زمینه دارد
- ۴- به دنبال تربیت شهروندی با سجایای اخلاقی - شیعی است
- ۵- تاکید بیشتر بر مطالعه به جای کسب تجربه عملی است
- ۶- روش تدریس عمدتاً توضیحی، سخنرانی و یا پرسش و پاسخ است. (فرمیهنی فراهانی: ۱۳۸۹: ۲۵۳)

ب) آموزش غیرمستقیم شهروندی در مدارس

از شیوه های غیر مستقیم آموزش و تربیت شهروندی در سطح مدارس به موارد زیر می توان اشاره نمود:

الف) آموزش شهروندی در خلال مشارکت در مباحث کلاس درس، فعالیت های ورزشی، همچنین بحث های آزاد و گفتگوهای شفاهی و فضای باز و دموکراتیک کلاس درس آموزش داده می شود. از این طریق مولفه های مشارکت و همکاری، مسئولیت پذیری، وظیفه شناسی، رعایت و احترام به قانون، احترام به عقاید دیگران، بیان نظرها و دیدگاه های خود و گفتگوی انتقادی آموزش داده می شود.

(ب) فعالیت های فوق برنامه مدارس:

حضور داشتن دانش آموزان در راهپیمایی‌ها، بازدید از مراکز دولتی، مراسم آغازین مدارس، برگزاری مراسمات مختلف در مناسبت‌های ملی و مذهبی، برگزاری انتخابات شورای دانش آموزی، برگزاری مسابقات پرسش مهر، فعالیت انجمن اسلامی دانش آموزی و بسیج دانش آموزی، برگزاری اردوهای راهیان نور.

(ج) نهادهای تاثیر گذار بر تربیت شهروندی دانش آموزان

از نهادهای وابسته به آموزش و پرورش که تاثیر گذار بر تربیت شهروندی می‌باشد به مواردی از این قبیل می‌توان اشاره نمود: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش آموزان، سازمان دانش آموزی، ستاد اقامه نماز، اتحادیه انجمن‌های اسلامی مدارس، پیوند (انجمن اولیاء و مربیان)، دفتر همکاری های حوزه و آموزش و پرورش، شبکه رشد. نظام آموزش و پرورش ایران در قالب آموزش مستقیم و غیر مستقیم شهروندان را برای ورود به زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی آماده می‌کند.

براساس متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و محتوای کتب درسی مرتبط با تربیت شهروندی آشنایی با قوانین مهم اجتماعی، جامعه شناسی، مطالعات اجتماعی، آداب و مهارت‌های زندگی، فعالیت‌های گروهی و اجتماعی، تفکر و پژوهش، فرهنگ و هنر، تفکر و سبک زندگی اهداف مختلفی را در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی می‌توان استخراج نمود. این اهداف در جداول شماره ۲ الی ۷ آمده است.

جدول ۲- اهداف اجتماعی تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

مقوله‌های اهداف اجتماعی تربیت شهروندی
پرورش شخصیت اجتماعی در افراد
شناختن جامعه و مؤسسات اجتماعی
آشنایی با وظایف اجتماعی و تشویق دانش آموزان برای شرکت در امور مدنی
کسب مهارت ها و اطلاعات لازم برای شرکت در زندگی اجتماعی
درک ارزش و اهمیت خانواده در زندگی اجتماعی
پرورش روحیه مسؤولیت پذیری در فعالیت های اجتماعی
احساس همدلی و همدردی و درک دیگران
تقویت روحیه تحمل آرای دیگران و روحیه انتقاد پذیری
کسب روحیه برادری، تعاون و همبستگی فرهنگی و ملی با افراد جامعه
پیشگیری از رفتارهای پرخطر مانند پرخاشگری، اعتیاد
تقویت مهارت های فرایند تفکر
ایجاد روحیه ی همکاری با نهادهای ملی و محلی
کسب مهارت در تحلیل مسائل اجتماعی
پذیرش نظم و تبعیت از قوانین اجتماعی

جدول ۳- اهداف سیاسی تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

مقوله‌های اهداف سیاسی تربیت شهروندی
افزایش علاقه مندی دانش آموزان به مشارکت در فعالیت های سیاسی
آشنا نمودن دانش آموزان با حقوق و آزادی های فردی از جمله: حق زندگی، امنیت فردی، آزادی ارتباطات، آزادی عقیده و بیان، آزادی عقیده و بیان، آزادی تجمع و انجمن ها
آشنا نمودن دانش آموزان با مراکز سیاسی
تقویت روحیه ی وطن دوستی
درک اهمیت و ارزش صلح در زندگی انسان و کوشش برای استقرار آن
آشنا نمودن عملی دانش آموزان با انتخابات از طریق برگزاری انتخابات شورای دانش آموزی
آشنا نمودن دانش آموزان با اصل مترقی ولایت فقیه، و نحوه انتخاب و وظایف رهبر در جامعه اسلامی
آشنا نمودن دانش آموزان با سازمان های منطقه ای و بین المللی مثل سازمان کشورهای اسلامی، سازمان ملل، شورای امنیت، یونیسف
آشنا نمودن دانش آموزان با نحوه انتخاب یا انتصاب و همچنین وظایف مسئولین نظام از جمله قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورا های اسلامی، سازمان صدا و سیما، نیروهای نظامی و انتظامی و....
بررسی نظام های مختلف حکومتی و تاثیر آن ها در نحوه ی زندگی جامعه

جدول ۴- اهداف حقوقی تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

مقوله‌های اهداف حقوقی تربیت شهروندی
احترام به حقوق دیگران
پی بردن به اهمیت و لزوم قانون، قانون گرایی و اطاعت از قانون در بین دانش آموزان
پرورش روحیه احترام به قانون و الزام به رعایت آن
افزایش آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی
آشنایی با حقوق مالکیت فردی (از جمله: شناسنامه، نام و نام خانوادگی، تغییر نام و نام خانوادگی، شماره ملی و کدپستی، گذرنامه، حساب بانکی، مقررات راهنمایی و رانندگی، خدمت وظیفه عمومی
اهمیت قانون اساسی و لزوم تمکین از آن برای حکومت و ملت
آشنایی دانش آموزان با حقوق خانواده از جمله اهمیت نهاد خانواده، شرایط و آثار ازدواج، روابط مالی زن و شوهر، طلاق و آثار آن ..
آشنایی با حقوق اقلیت ها(اقلیت های دینی غیر مسلمان، اقلیت های مذهبی غیر شیعه و اقلیت های قومی، نژادی و زبانی)
آشنایی با حقوق بشر و دفاع از آن، چه در جامعه خویش و چه در جامعه بین المللی

جدول ۵- اهداف فردی تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

مقوله‌های اهداف فردی تربیت شهروندی
افزایش روحیه اعتماد به نفس، عزت نفس و خودباوری
ایجاد و تقویت مهارت های زندگی از جمله: مدیریت زمان، مدیریت تضاد و اختلاف خود با دیگران، شاد زیستن، امید به زندگی، تاب آوری و تحمل سختی، قاطعیت و جرأت ورزی، کنترل افسردگی، کنترل اضطراب و استرس، قدرت تصمیم گیری، خودآگاهی، خود ارزیابی، خودکارآمدی، تقویت اراده، حل مسئله و...
پرورش روحیه ی مسئولیت پذیری و جرات در ابراز اندیشه ها
تقویت مهارت های فرآیند تفکر : تقویت تفکر منطقی، خلاق و واگرا
توانایی گفتگو و دیالوگ
کمک به دانش آموزان در شناخت توانمندی ها و استعدادهایشان
پرورش روحیه انتقادگری و انتقادپذیری
پرورش ارزش های اخلاقی فردی، از جمله: پرورش روحیه وفای به عهد، روحیه عدالت خواهی

جدول ۶- اهداف فرهنگی تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

مقوله‌های اهداف فرهنگی تربیت شهروندی
پرورش روحیه حفظ و احترام به میراث فرهنگی و دستاوردهای گذشتگان
توسعه حس تقویت هویت ملی - مذهبی
علاقمندی نسبت به سرمایه های فرهنگی
مطالعه ی فرهنگ اقوام و ملل مختلف
آشنایی با مراسمات مذهبی و مشارکت در امور خیریه و مذهبی
شناسایی الگوهای اخلاقی، و شخصیت های برجسته مذهبی و تربیتی
شناخت زبان و ادبیات فارسی و سبک درست نگارش فارسی
ترویج فرهنگ استفاده درست از امکانات شهری و وسایل عمومی مانند فضای سبز، مترو، اتوبوس
روحیه ی پرهیز از آداب و رسوم منحط و خرافی
توانایی درک و تفاهم و تحمل تفاوت های فرهنگی
کمک به دانش آموزان در تعبیر و تفسیر ارزش ها و مفاهیمی که توسط وسایل ارتباط جمعی ، اینترنت و... منتقل می شود

جدول ۷- اهداف اقتصادی تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

مقوله‌های اهداف اقتصادی تربیت شهروندی
اهمیت نقش کار به عنوان محوری ترین عامل اقتصاد اسلامی
آشنایی دانش آموزان با روش های پس انداز و اهمیت آن
آشنایی با نحوه عملکرد بانک ها و سپرده گذاری
پرورش روحیه ساده زیستی و پرهیز از اسراف

بررسی سیستم های مختلف اقتصادی و آثار آن ها از لحاظ سطح زندگی عمومی
استفاده ی صحیح از منابع ملی و انرژی
آشنایی مقدماتی با روشهای تقویت و تسریع رشد و توسعه اقتصادی

بحث و نتیجه گیری

از آموزش شهروندی باید به عنوان یک ابزار در جهت وحدت و انسجام اجتماعی استفاده کرد. آموزش پرورش رسمی لازم است زمینه ایجاد وحدت ملی و وفاق و انسجام اجتماعی را فراهم کند. و در حد توان به استقرار نظم اجتماعی و انتقال فرهنگ دینی، ملی و بومی از نسلی به نسل بعد کمک کند. تربیت شهروندی و شناخت ابعاد و اصول شهروندمداری امروزه نقش مهمی در تقویت روح جمعی و وجدان جمعی جامعه می تواند داشته باشد، ویژگی های شهروندی و شهروندمداری بخش جدایی ناپذیر از الگوهای زندگی جمعی است که باید حکومت ها و دولت ها در قالب نهادهای اجتماعی و سازمان های ذیربط مؤلف به بسط تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی آن می باشند؛ این ویژگی ها از همان دوران کودکی و سنین آغازین، تعلیم و تربیت داده می شود. تربیت شهروندی از دل مشغولی های اکثر نظام های دنیا به شمار می آید، نظام آموزشی هر کشوری متأثر از نظام ارزش های حاکم بر جامعه ی آن است و بالتبع تربیت شهروندی در راستای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه، انجام می گیرد، کشور ما نیز برای این که از چالش ها و آسیب های اجتماعی موجود در امان بماند و انسجام سیاسی، فرهنگی و ملی خویش را حفظ نماید باید به مقوله آموزش مفاهیم شهروندی بیش از پیش توجه کند. و این مقوله را به عنوان یک ضرورت در نظر بگیرد. این یافته همسو با نتایج تحقیق لطف آبا (۱۳۸۵) می باشد. توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان بستگی به تربیت شهروندانی آگاه و صاحب توانمندی و مهارت های لازم برای توفیق در زندگی اجتماعی و فردی و حضور آنان در عرصه های مختلف دارد.

تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در سطح مدارس در دو رویکرد و روش مستقیم و غیر مستقیم انجام می گیرد. در روش مستقیم آموزش شهروندی تحت عنوان ها و درس های متفاوتی ارائه می شود که عمدتاً به نام مطالعات اجتماعی، قوانین اجتماعی و جامعه شناسی معروف است. و در روش غیر مستقیم تربیت شهروندی از طریق فعالیت های کلاسی، برنامه های درسی پنهان، فعالیت های فوق برنامه، نقش معلمان و پرسنل مدرسه و همچنین نهادهای وابسته به آموزش و پرورش صورت می گیرد. فرآیند تربیت شهروندی متأثر از مطالبات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی جامعه ما در گذشته و حال بوده است. در روش های آموزش تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش کشور به ویژه در روش آموزش مستقیم با توجه به محتواهای مورد تدریس به مؤلفه ها و شاخص های متنوع تربیت شهروندی بطور یکنواخت و یکسان توجه نشده است. این یافته همسو با نتایج تحقیق جمالی تازه کند و همکاران (۱۳۹۲) و ذهبتون و همکاران (۱۳۹۵) می باشد. با توجه به اینکه در آموزش شهروندی و تربیت شهروندی بشتر تکیه بر روش های آموزش سنتی، مستقیم و غیر فعال است و به محفوضات توجه بیشتری می شود. و همچنین توجه جدی به اهداف عینی و کاربردی نمی شود. بنابراین لازم است تغییر و تحول اساسی در روش ها، رویکردها و اهداف تربیت شهروندی اعمال گردد. این یافته با نتایج تحقیقات اختر (۲۰۰۸) و نینز (۲۰۱۳) مطابقت دارد.

با توجه به اینکه نتایج مطالعه حاضر نشان داد که محتوای کتاب های درسی مرتبط به تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش به مؤلفه های تربیت شهروندی به یک میزان توجه نشده است و به برخی از مؤلفه ها تأکید و توجه بیشتری شده است و برخی دیگر علی رغم اهمیت و تأثیرگذاری شان تا حدودی مغفول واقع شده اند. به این جهت به سیاست گذاران و مؤلفان کتاب های درسی پیشنهاد می گردد که با توجه به جایگاه و تأثیر سازنده همه ی مؤلفه های تربیت شهروندی در این خصوص بازنگری و اصلاحاتی انجام پذیرد. به گونه ای که فراگیران بتوانند با ابعاد گوناگون تربیت شهروندی آشنا گردند. همچنین برای درک عمیق تر و آموزش کاربردی تر مباحث تربیت شهروندی توصیه می گردد از روش های تدریس فعال، غیر مستقیم و جدید استفاده گردد.

برای دستیابی به تربیت شهروندی مطلوب و شهروندان ایده‌آل لازم است آموزش شهروندی در حوزه آموزش‌های مدرسه‌ای محدود نشود، بلکه در درون خانواده، جامعه، محل کار و به وسیله سایر نهادهای اجتماعی به صورت آموزش تا پایان عمر افراد ارائه شود. در تحقق این منظور نباید نقش رسانه‌های ارتباط جمعی و دستگاه‌های اطلاع رسانی از جمله رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات و فضای مجازی را از نظر دور داشت.

منابع و مراجع

۱. بازرگان، عباس. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: انتشارات دیدار.
۲. جمالی تازه کند، محمد؛ طالب زاده نوبریان، محسن؛ ابوالقاسمی، محمود. (۱۳۹۲). تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه. فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، دوره ۲، شماره ۱۰، ص ۱-۱۹.
۳. خطیب‌زنجانی، نازیلا. (۱۳۸۶). آموزش شهروندی نیاز جامعه امروز. روزنامه کیهان. قابل دسترس در سایت www.magiran.com.
۴. ذهبیتون، شهلا؛ یوسفی، علیرضا؛ یارمحمدیان، محمدحسین. (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی متوسطه دوره دوم به لحاظ توجه به مفاهیم تربیت شهروندی. مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دوره ۲، شماره ۲۳، ص ۱۳۶-۱۴۷.
۵. فتحی و اجار گاه، کورش؛ دیباو اجاری، طلعت. (۱۳۸۱). تربیت شهر وندی، تهران: نشر کویر.
۶. فرمیپنی فراهانی، محسن؛ عیوضی، مریم. (۱۳۸۸). مبانی ارزش‌شناسی تربیت شهر وندی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه شاهد.
۷. فرمیپنی فراهانی، محسن. (۱۳۸۹). تربیت شهروندی. تهران: انتشارات آبیژ.
۸. گلشن فومنی، محمد رسول. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: نشر شیفته.
۹. لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، دوره ۵، شماره ۱۷.
۱۰. وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). برنامه درس ملی، جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. وکیلان، منوچهر. (۱۳۹۰). تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۳. نیکفر، محمد رضا. (۱۳۷۸). خشونت، حقوق بشر، جامعه مدنی. تهران: انتشارات طرح نو.
۱۴. Ahmad, I. (2004). Islam, Democracy and Citizenship Education: An Examination of the Social Studies Curriculum in Pakistan. *Current Issues in Comparative Education* 7(1): 39-49.
۱۵. Combs, C. (2001). A Conceptual Framework Toward a Democratic Citizenship Curriculum, and Its Implication for Education Drama. Unpublished Master of Education Thesis, University of Monitoba.
۱۶. Kukathas, C. (2001). Education and Citizenship in Diverse Societies. *International Journal of Research*, 35(3): 379-400.

۱۷. McDonald, D. G. (1999). Implementation of Programs of Deliberation and Civic Education to Counter Erosional Effects of Civic Apathy Upon Liberal-Democratic Polities. Unpublished Master of Thesis., University of Western Ontario.
۱۸. Minkler, John. (1998). Active Citizenship, Empowering America's Youth. Printed in the United States of America.
۱۹. Nelson, J., and D, Kerr. (2005). Active Citizenship: Definitions, Goals and Practices. London: QCA/INCA (International review of curriculum and assessment frameworks).
۲۰. Niens, U., U. O Connor, and A. Smith. (2013). Citizenship Education in Divided societies. Teachers Perspectives in Northern Ireland. Journal Citizenship Studies 17 (1): 128-141.
۲۱. Parker, Gavin. (2003). Citizenships, Contingency and Countryside: Rights, Culture, Land and the Environment. London and New York: Routledge.
۲۲. Sears, A., and Y. Hebert. (2005). Citizenship Education. Canadian Education Association.
۲۳. Tse, K. C. (2001). Society and Citizenship Education in Transition. The Case of Macau. International Journal of Educational Research 21(4): 305-314.
۲۴. Whitney, Houston. (2000). What Is Citizenship? In <http://www.citizen.org.UK/educational.htm-6k>.